

بررسی مروری نقش سبک‌های دلبستگی بر اضطراب اجتماعی در بزرگسالان

نگار میرزایی^۱، فریده نویدزاده^۲

دکتر زهرا دشت بزرگی^۳، مهدیه کیارستمی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مروری نقش سبک‌های دلبستگی بر اضطراب اجتماعی انجام شد. اضطراب اجتماعی به عنوان یکی از شایع‌ترین اختلالات اضطرابی، با اختلال در عملکرد اجتماعی در مدرسه، محل کار و زندگی خصوصی همراه است. در این مقاله به صورت مروری بر متون با مراجعه به مقالات تخصصی به جمع‌آوری اطلاعات از منابع روان‌شناسی، به توصیف و تبیین ارتباط و نقش سبک‌های دلبستگی ایمن و نایمن بر اضطراب اجتماعی، پرداخته شد. با توجه به مرور نتایج، می‌توان از متغیر سبک دلبستگی در بحث پیشگیری از رفتارهای آسیب‌ناشی از اضطراب اجتماعی توسط مشاوران و روانشناسان استفاده نمود.

واژه‌گان کلیدی: دلبستگی، اضطراب اجتماعی، اختلال.

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) nmpsy88@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی، تهران، ایران

۳- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

اختلال اضطراب اجتماعی^۱ یکی از شایع‌ترین اختلالات اضطرابی با شیوع در طول عمر ۱۲ درصد است (کسلر، برگلوند، دملر، جین، مریکنگس و والتز^۲، ۲۰۰۵) و با اختلال در عملکرد اجتماعی در مدرسه، محل کار و زندگی خصوصی همراه است (استاین و استین^۳، ۲۰۰۸). این بیماری به عنوان دومین بیماری شایع اضطرابی با شیوع مادام‌العمر ۶/۷ تا ۱۰/۷ درصد در کشورهای غربی گزارش شده است (فهم، پلیسولو، فورمارک و ویتچن^۴، ۲۰۰۵؛ کسلر، پتی‌خوا، سمپسون، زاسلاوسکی و ویتچن^۵، ۲۰۱۲). همچنین، اضطراب اجتماعی کمتر فراگیر/آزاردهنده، به شکل خجالتی یا بازداری رفتاری، ممکن است به بیش از نیمی از جمعیت در دوران نوجوانی / اوایل بزرگسالی گسترش می‌یابد (ادرکا، هوفمن، نیکرسون، هرمش، گیلبوآ-اسچچمن و ماروم^۶، ۲۰۱۲؛ هندرسون، گیلبرت و زیمباردو^۷، ۲۰۱۴).

مطالعات قبلی نشان داده است که اضطراب اجتماعی علاوه‌براینکه سازگاری روانی اجتماعی، ارتباطات بین فردی و پیشرفت تحصیلی را به خطر می‌اندازد (بروک و ویلوبی^۸، ۲۰۱۵؛ سو و سونگ^۹، ۲۰۰۵)، منجر به مشکلات درونی سازی و برون سازی از جمله افسردگی و رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود (موریسون و هایمبرگ^{۱۰}، ۲۰۱۳؛ وو^{۱۱}، هوانگ، او، تانگ، و پو، ۲۰۱۵). بنابراین، بررسی علل اضطراب اجتماعی به یک مسئله فوری برای محققان تبدیل شده است.

1 social anxiety disorder

2 Kessler RC, Berglund P, Demler O, Jin R, Merikangas KR, Walters EE.

3 Stein MB & Stein DJ.

4 Fehm, L., Péliissolo, A., Furmark, T. Wittchen, H.-U.

5 Kessler, R.C., Petukhova, M., Sampson, N.A., Zaslavsky, A.M., Wittchen, H.-U.

6 Aderka, I.M., Hofmann, S.G., Nickerson, A., Hermesh, H., Gilboa-Schechtman, E., Marom, S.

7 Henderson, L., Gilbert, P., Zimbardo, P.

8 Brook, C. A., & Willoughby, T.

9 Su, A. P., & Song, K. J.

10 Morrison, A. S., & Heimberg, R. G

11 Wu, X

سبک‌های دلبستگی^۱ به عنوان یکی از عوامل درونی از جنبه‌های اصلی ایجاد کننده اضطراب اجتماعی افراد محسوب می‌شوند (موتاندر و وانگ^۲، ۲۰۱۴). به طور خاص، افراد مضطرب اجتماعی اغلب دلبستگی کمتر ایمن از خود نشان می‌دهند که با تصویر مثبت از خود و تصویری مثبت از دیگران مشخص می‌شود (کنارد، فرستتر، چونگ، موک، گیسر، اسچوماچر و کارنل^۳، ۲۰۲۱) و یک سبک دلبستگی مضطرب و نایمن برای ترویج یا تشدید اختلال اضطراب اجتماعی پیشنهاد شده است (اولندیک و بنویت^۴، ۲۰۱۲) و اکثر مطالعات این موضوع را تأیید می‌کنند (انگ، هیمبرگ، هارت، اسچنیر و لیوویتز^۵، ۲۰۰۱؛ بیفولکو، وون، جاکوب، مارون، بون و بیر^۶، ۲۰۰۶؛ تورپی، اولینو و کلین^۷، ۲۰۰۷؛ پارادی، لیرکس و بلنکسون^۸، ۲۰۱۰). لذا، در پژوهش حاضر به مروری بر تحقیقات انجام شده در زمینه نقش سبک‌های دلبستگی بر اضطراب اجتماعی پرداخته می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه مقاله مروری انجام شد. با کلمات کلیدی سبک دلبستگی، اضطراب اجتماعی، *attachment* و *social anxiety disorder* در اینترنت سایت‌های مرتبط با مجلات روانشناسی و عمدتاً مجلات معتبر نظیر *Elsevier*، *Pubmed*، *ProQuest*، *Scholar*، *Springer*، *Direct Science*، *Medex*، *Scopus*، *ISI Google* و *Civilica* از سال‌های قدیمی تا ۲۰۲۰ جستجوی مقالات و تحقیقات انجام شد. فرایند انتخاب مقالات بر اساس این راهبرد انجام گردید و در نهایت پس از غربالگری عنوان و چکیده، متدولوژی، هدف، شاخص‌ها، ابزار اندازه‌گیری، متغیرها، تعاریف، روش تحقیق،

¹ attachment style

² Mothander, P. R., & Wang, M.

³ Conrad, R., Forstner, A.J., Chung, M., Mücke, M., Geiser, F., Schumacher, J., and Carnehl, F.

⁴ Ollendick TH, Benoit KE.

⁵ Eng, W., Heimberg, R. G., Hart, T. A., Schneier, F. R., & Liebowitz, M. R.

⁶ Bifulco A, Kwon J, Jacobs C, Moran PM, Bunn A, Beer N.

⁷ Torpey DC, Olino TM, Klein DN.

⁸ Parade SH, Leerkes EM, Blankson AN.

آزمون‌های آماری و بحث کامل حدود ۱۴۰ مقاله در زمینه دل‌بستگی و اضطراب اجتماعی، ۶۴ مقاله معیارهای ورود به مقاله را داشتند. فرایند انتخاب مقالات براساس این راهبرد انجام گردید. پس از جستجوی الکترونیکی، مقالات ناهمگون بسیاری بررسی شدند که برای حذف منابع بی‌ارتباط، عنوان و چکیده مقالات بررسی شدند. فقط از مقالات دارای زبان‌های فارسی و انگلیسی استفاده شد. در این مقاله از هر نوع مقاله پژوهشی با هر نوع متدولوژی استفاده گردید. در نهایت، همه مقالاتی که شواهدی از مطالعه حاضر داشتند، جهت بررسی کامل انتخاب شدند. پس از آن یافته‌های اصلی متناسب با اهداف تحقیق استخراج گردید. در این تحقیق کلیه مسائل اخلاقی مربوط به روش و فرایند تحقیق رعایت گردید.

اضطراب اجتماعی

اضطراب اجتماعی به تجربه هیجانی منفی مانند اضطراب، تنش و ترس ناشی از نگرانی بیش از حد از ارزیابی شدن توسط افراد دیگر در ارتباطات بین فردی اشاره دارد (بوهمه، میلنر و استراوب، ۲۰۱۴؛ موریسون و هایمبرگ، ۲۰۱۳). در بیانی دیگر، اضطراب اجتماعی، ترس یا اضطراب در پاسخ به تعاملات اجتماعی یا موقعیت‌های عملکردی است که با تهدید واقعی این تجربه تناسبی ندارد (منینگ، دیکسون، پالمیر-کلاوس، کونلیف و تایلور، ۲۰۱۷).

سبک دل‌بستگی

تئوری دل‌بستگی بیان می‌کند که انسان‌ها در هنگام رقابت برای ایمنی، آسایش و حفاظت، انگیزه ایجاد پیوندهای عاطفی با دیگران را دارند (بالبی، ۱۹۸۸). سبک دل‌بستگی در طول زندگی، رفتار فرد را بر اساس میزانی که فرد به دنبال یا اجتناب از تجارب دل‌بستگی است، هدایت می‌کند (برنان، کلارک و شاور، ۱۹۹۸). در برخی منابع دل‌بستگی به سه سبک اصلی طبقه بندی شده است: سبک دل‌بستگی ایمن، سبک‌های دل‌بستگی نایمن شامل

اضطرابی/دوسوگرا و اجتنابی. دلبستگی اضطرابی تمایل به رفتارهای اعتراضی و دلبستگی اجتنابی دارند تمایل به رفتارهای کناره‌گیری دارد (آینزورث، بلهار، واترز و وال، ۱۹۷۸؛ هازان و شاور، ۱۹۸۷). شایان ذکر است که اصطلاحات نگران و طردکننده نیز به ترتیب برای اشاره به الگوهای اضطرابی و اجتنابی در بزرگسالان استفاده شده است (منینگ، دیکسون، پالمیرکلاوس، کونلیف و تایلور، ۲۰۱۷).

تئوری دلبستگی پیشنهاد می‌کند که وقتی تربیت فرد با روابط پایدار با شخصیت‌های دلبسته و همراه با پذیرش مشخص می‌شود، احتمالاً یک دلبستگی ایمن ایجاد می‌شود. در مقابل، اگر شرایط تربیت فرد سخت باشد و روابط با افراد مراقبت‌کننده با بی‌ثباتی و یا سوء استفاده همراه شود، جهت‌گیری دلبستگی به احتمال زیاد ناامن است و در نتیجه راهبردهای متمایز برای رسیدگی به چالش‌های رشد منحصر به فرد کودک ایجاد می‌شود (چیشولم، ۱۹۹۶؛ زاکالا، مدینی و ابوت، ۲۰۲۱). در حالی که طبقه‌بندی‌های مختلفی برای طبقه‌بندی این سبک‌های دلبستگی ناایمن پیشنهاد شده است، پیوستار اضطراب-اجتناب به دلیل ارتباط آن از دوران نوزادی تا بزرگسالی، متداول‌ترین مورد استفاده است (زاکالا، مدینی و ابوت، ۲۰۲۱). افرادی که سبک دلبستگی مضطرب دارند (همچنین به عنوان مضطرب-دوسوگرا شناخته می‌شود) به احتمال زیاد توسط مراقبین ناسازگار یا سهل‌انگار بزرگ شده‌اند (آینزورث، بلهار، واترز و وال، ۱۹۷۸)، بنابراین منجر به الگوهای رابطه‌ای می‌شوند که با تلاش‌های شدید برای برانگیختن مشخص می‌شوند. سبک دلبستگی مضطرب اغلب به عنوان «بیش فعال سازی» سیستم دلبستگی شناخته می‌شود (فرالی، نیدنتال، مارکس، برومباق و ویکری، ۲۰۰۶). از سوی دیگر، افرادی که سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی را نشان می‌دهند (همچنین به عنوان طردکننده شناخته می‌شود) به احتمال زیاد در محیط‌های آزاردهنده جسمانی یا عاطفی بزرگ شده‌اند (آینزورث، بلهار، واترز و وال، ۱۹۷۸). به این ترتیب، آنها الگوهای رابطه‌ای را ایجاد کرده‌اند که با اتکا به خود، استقلال و اجتناب از تعاملات دلبستگی با مراقبین مشخص می‌شود (یانگبلادی و بلسکی، ۱۹۸۹) و سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی اغلب به عنوان «غیرفعال سازی» سیستم دلبستگی نامیده می‌شود (فرالی و شاور، ۱۹۹۷).

در برخی منابع، اول، سبک دلبستگی نگران، که با دید منفی نسبت به خود و دیدگاه مثبت نسبت به دیگران تعریف می‌شود. مشخصه افراد دارای سبک دلبستگی نگران، سبک بین فردی وابسته و همچنین فقدان ریشه عمیق ارزش خود است. دوم، سبک دلبستگی ترسناک، که با دید منفی نسبت به خود و دیگران تعریف می‌شود و منجر به اجتناب از روابط نزدیک به عنوان وسیله‌ای برای محافظت از خود در برابر طرد شدن مورد انتظار است. در نهایت، سبک دلبستگی ردکننده (طردکننده) که با دید مثبت به خود و دیدگاه منفی نسبت به دیگران تعریف می‌شود و همراه با اجتناب از روابط نزدیک به عنوان وسیله‌ای برای محافظت از خود در برابر ناامید شدن توسط دیگران است (لازکوویکز، فونزو، بندیکسن، شپیگل، لی و اسکالا، ۲۰۲۰).

دلبستگی و اضطراب اجتماعی

به خوبی ثابت شده است که سبک‌های دلبستگی به شدت بر عملکرد روانی در طول عمر تأثیر می‌گذارند، و می‌توان تجلی آن را در ارتباط عمیق و چندوجهی که سیستم دلبستگی با آسیب‌شناسی روانی در بسیاری از حوزه‌ها دارد مشاهده نمود (میکالینسر و شاور، ۲۰۱۲؛ پینی، آبلی، تروسی، سیراکوسانو، کاسانو، شیر و بالدوین، ۲۰۱۴). همچنین پیشنهاد شده است که سیستم دلبستگی یک عنصر اصلی از فرمول بندی سندرم‌های اضطراب اجتماعی را تشکیل می‌دهد (ورتو، ۲۰۰۳)، با شواهد تجربی گسترده‌ای که این موضوع را تایید می‌کند. مدل‌های رشدی اختلال اضطراب اجتماعی نشان می‌دهد که شیوه‌های والدینی و فرآیندهای دلبستگی در والد-فرزند نقش مهمی در توسعه بعدی اضطراب اجتماعی و اجتناب دارند (اولندیک و بنویت، ۲۰۱۲). دلبستگی ناایمن به طور مداوم نشان داده شده است که با اضطراب اجتماعی تجربه شده در دوران کودکی و نوجوانی مرتبط است (بروماریو و کرنز، ۲۰۱۳). حتی در بزرگسالی، سبک دلبستگی مضطرب با میزان افزایش اضطراب تعامل اجتماعی، ترس از ارزیابی منفی و اجتناب اجتماعی مرتبط است (انگ، هیمبرگ، هارت، اسپنیر و لیوویتز، ۲۰۰۱؛ مانس، نودوپ، آلمان، گاولیتا، دینجر، دیمل و ریتر، ۲۰۱۶).

در این بخش به مروری به تحقیقات انجام شده در حیطه سبک دلبستگی و اضطراب اجتماعی و تبیین این رابطه پرداخته شده است.

انگ و هیمبرگ، هارت، اسچنیر و لیوویتز (۲۰۰۱) گزارش کردند که افراد با اضطراب اجتماعی عمدتاً با دلبستگی اضطرابی مشخص می‌شوند. لویس-موراتی، دگنان، کرونیس-توکانو، پین، هندرسون و فوکس در سال (۲۰۱۴) در تحقیقی نقش دلبستگی ایمن نوزاد و بازداری رفتاری در اوایل دوران کودکی در پیش‌بینی علائم اضطراب اجتماعی نوجوانان را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه ۱۶۵ نوجوان (سنین ۱۴-۱۷ سال) طبق واکنش آنها به تازگی در ۴ ماه اخیر، انتخاب شدند. نتایج نشان داد که اثر متقابل دلبستگی و بازداری رفتاری به طور قابل توجهی علائم اضطراب اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند، به طوری که بازداری رفتاری و اضطراب اجتماعی فقط در میان نوجوانان با سابقه دلبستگی نایمن همراه است. مک‌کارتی در سال (۲۰۰۵) در پژوهشی از سی بزرگسال، جذب شده از دانشگاه، دارای آستانه بالای علائم، اضطراب اجتماعی غربالگری شدند. شرکت کنندگان پرسشنامه‌های خودگزارشی را تکمیل کردند و با آنها مصاحبه شد. این مطالعه نشان داد که این گروه مضطرب اجتماعی دارای یک سبک دلبستگی عمدتاً ناامن و مضطرب هستند. اما افراد با سبک دلبستگی نایمن به طور معناداری اضطراب اجتماعی بیشتری ندارند، اگرچه کسانی که دارای یک سبک ترسناک و طبقه بندی دلبستگی مضطرب هستند، اضطراب اجتماعی بیشتری دارند. در تحقیقی دیگر، بروماریو و کرنز در سال (۲۰۰۸) در تحقیقی به ارزیابی اینکه آیا الگوهای دلبستگی با جنبه‌های اضطراب اجتماعی (ترس از ارزیابی منفی، اضطراب اجتماعی و پریشانی در موقعیت‌های جدید و اضطراب و پریشانی عمومی) ارتباط متفاوتی دارند، پرداختند. علاوه بر این، این تحقیق به بررسی این رابطه از نظر طولی و همزمان در اواسط کودکی پرداخت. تجزیه و تحلیل طولی نشان داد که دلبستگی دوسویه بیشترین رابطه را با اضطراب اجتماعی دارد. بررسی همزمان دلبستگی و اضطراب اجتماعی نشان داد که دلبستگی ایمن پایین و دلبستگی دوسویه بالاتر بیشترین میزان رابطه را با اضطراب اجتماعی بالاتر دارند. نوتزون، دمسچک، هولیتسچک، زیگلر، آرولت، پائولی، ریف، دکرت و وانزگر (۲۰۱۵) در تحقیقی در

بین ۲۱۹ زن و ۱۶۹ مرد به این نتیجه رسید که سبک دل‌بستگی کمتر ایمن به طور معنی‌داری با اضطراب اجتماعی بالاتر مرتبط است. علاوه بر این، به نقش تعدیلگر اکسی‌توسین در این ارتباط نیز اشاره شد.

جاویدپشکه در سال (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی نقش ممیزی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دل‌بستگی در تشخیص اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان پرداخت. طرح پژوهش، تابع تشخیص دوگروهی بود. جامعه مورد بررسی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بودند. به این منظور تعداد ۳۰ دانش‌آموز دارای اضطراب اجتماعی و ۳۰ نفر بدون اضطراب اجتماعی به شیوه‌ی در دسترس انتخاب شدند. داده‌های گردآوری‌شده با آزمون تحلیل تشخیص تجزیه و تحلیل شد. نتایج تحلیل ممیزی نشان داد که با کمک خودمختاری و عملکرد مختل و سبک دل‌بستگی ایمن می‌توان اضطراب اجتماعی را پیش‌بینی کرد. تحلیل ممیزی توانست با ۸۵ درصد پیش‌بینی صحیح دانش‌آموزان دختر را به دو گروه با و بدون اضطراب اجتماعی طبقه‌بندی نماید. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده‌ی اهمیت سبک دل‌بستگی ایمن در امکان تمایز گذاری بین دانش‌آموزان با و بدون اضطراب اجتماعی بوده است.

دیناروند در سال (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی و تعیین نقش سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در تبیین اضطراب اجتماعی پرداخت. این پژوهش از نوع پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمام دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر تهران بودند، که از میان آنها ۵۰ نفر بصورت نمونه در دسترس انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد سبک دل‌بستگی ایمن قادر است اضطراب اجتماعی را به صورت منفی و معنادار و سبک دل‌بستگی اجتنابی و سبک دل‌بستگی دوسوگرا، اضطراب اجتماعی را به صورت مثبت و معنادار تبیین نماید. سنگ‌نورپور و هاشمی در سال (۱۳۹۹) به بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی با اضطراب اجتماعی پرداختند. در راستای این هدف از جامعه دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ تعداد ۶۴ نفر (۳۱ پسر، ۳۳ دختر) به شیوه تصادفی انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با

استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن با اضطراب اجتماعی رابطه منفی، بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا و اضطراب اجتماعی رابطه مثبت و بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و اضطراب اجتماعی نیز رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. علاوه بر این، تحلیل‌ها حاکی از آن بود که اضطراب اجتماعی به واسطه سبک‌های دلبستگی به طور معنادار قابل پیش‌بینی است. مبتنی بر این یافته‌ها می‌توان بیان داشت که یکی از عوامل تحولی موثر در شکل‌گیری اضطراب اجتماعی، کیفیت روابط بین مادر-فرزند است که به شکل سبک دلبستگی نمود پیدا می‌کند.

نعمتی، سلطانی‌زاده و منتظری در سال (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی رابطه سبک‌های سه‌گانه دلبستگی (ایمن، اجتنابی، اجتنابی/دوسوگرا) با اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان پرداختند. بدین منظور ۸۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر اصفهان به صورت در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها به وسیله نرم افزار *SPSS-۲۲* و با استفاده از روش ضریب همبستگی تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن با اضطراب اجتماعی، منفی و از لحاظ آماری معنادار است. همچنین، ضریب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اجتنابی/دوسوگرا با اضطراب اجتماعی، مثبت و از لحاظ آماری معنادار است.

صارمی و حقیقت در سال (۱۳۹۷) در تحقیقی به مقایسه سبک‌های دلبستگی و مشکلات هیجانی در دانشجویان دختر مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی و دانشجویان عادی پرداختند. روش پژوهش از نوع علی مقایسه‌ای بود. نمونه پژوهش ۱۵۰ نفر (۷۵ دانشجوی مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی و ۷۵ دانشجوی عادی) بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج نشان داد که میانگین نمرات دانشجویان دارای اختلال اضطراب اجتماعی در سبک دلبستگی اجتنابی، اضطرابی و افسردگی، اضطراب و استرس بیشتر از دانشجویان عادی بود. همچنین نمرات دانشجویان عادی در سبک دلبستگی ایمن بیشتر از دانشجویان دارای اختلال اضطراب اجتماعی بود.

حسینی بهشتیان و روزبهرانی در سال (۱۳۹۵) در تحقیقی به پیش‌بینی اضطراب اجتماعی براساس سبک دلبستگی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی پرداختند. این پژوهش حاضر به صورت توصیفی همبستگی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران بود که ۲۰۰ نفر از دانشجویان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها به روش رگرسیون لجستیک تحلیل گردید. یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد ابعاد سبک دلبستگی و نیازهای بنیادین در سطح ۰/۰۵ توان پیش‌بینی اضطراب اجتماعی را دارند. نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد ابعاد سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی و سبک دلبستگی نایمن به صورت مثبت اضطراب اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با افزایش نمره فرد در نیازهای بنیادین اضطراب اجتماعی کاهش و همراه با کاهش نمره وی در نیازهای بنیادین اضطراب اجتماعی افزایش می‌یابد.

صنعتکارفر در سال (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود به تبیین اضطراب اجتماعی بر اساس سبک‌های دلبستگی پرداخت. طرح پژوهش توصیفی-همبستگی بود. ۴۴۰ نفر از دانش‌آموزان (۲۴۴ دختر و ۱۹۶ پسر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه اضطراب اجتماعی کانور و همکاران (۲۰۰۰) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شاور (۱۹۸۷) استفاده شد. نتایج نشان داد بین سبک‌های مقابله مسئله‌مدار و هیجان‌مدار با اضطراب اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با اضطراب اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

هاشمی، احمدیگی، پروازکریمی شهابی در سال (۱۳۹۴) در تحقیقی در بین ۲۰۱ نفر از دانشجویان دختر به این نتیجه رسیدند که سبک دلبستگی ایمن و عزت نفس نقش مثبت و معنادار در تغییرات اضطراب اجتماعی دارند. دلبستگی نایمن و اجتنابی نقش منفی و قابل توجه در تغییرات اضطراب اجتماعی دارند. همچنین سبک دلبستگی ایمن نقش مثبت و معنادار و سبک دلبستگی نایمن و اجتنابی نقش منفی و معناداری در تبیین تغییرات عزت نفس دارند و عزت نفس نیز نقش منفی و معنادار در تبیین تغییرات اضطراب اجتماعی دارد.

علی‌دولتی‌بخشان در سال (۱۳۹۳) در پایان نامه خود به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان پرداخت. نتیجه آزمون هبستگی پیرسون، نشان داد که شایستگی رفتاری و تحصیلی با ترس از ارزیابی همسالان رابطه منفی دارد. در این پژوهش بین سبک‌های دلبستگی و اضطراب اجتماعی رابطه معنادار وجود داشت. همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا با اضطراب اجتماعی رابطه مثبت معنادار بیشتری وجود داشت.

حسینی، شیخان، آریاناکیا و محمودزاده در سال (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی اضطراب اجتماعی نوجوانان با توجه به نقش سبک‌های دلبستگی و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان پرداختند. با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۳۰۰ نفر (۱۲۵ پسر و ۱۷۵ دختر) از دانش‌آموزان مقطع متوسطه انتخاب شدند. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان دادند که سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و ایمن نقش عمده‌ای در پیش‌بینی مولفه‌های اضطراب اجتماعی دارند.

خراشادی‌زاده، شهابی‌زاده و دستجردی در سال (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی نقش ادراک دلبستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی پرداختند. ۷۰۰ دانشجو به روش نمونه‌برداری چند مرحله‌ای خوشه‌ای از دو دانشگاه پیام‌نور و آزاد بیرجند انتخاب شدند و ارزشیابی دلبستگی به هر والد (هازان و شیور، ۱۹۸۶)، یافته‌ها نشان دادند دلبستگی نایمن به مادر و پیوستگی با خانواده به طور مستقیم پیش‌بینی کننده اضطراب اجتماعی هستند. همچنین، دلبستگی به والد از طریق پیوستگی و اسناد موفقیت بر کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی مسیرهای معناداری نشان دادند.

در تبیین ارتباط سبک‌های دلبستگی با اضطراب اجتماعی می‌توان به مدل‌های شناختی-رفتاری اشاره نمود که معتقدند اضطراب اجتماعی فرایندهای عملکرد ناکارآمد درمورد خود و محیط اجتماعی فرد، باورها و تصورات اساسی غیرمنطقی، سوگیری‌های تفسیری و استفاده از شیوه‌های تنظیم هیجانی ناکارآمد را به عنوان خصوصیات اصلی این اختلال را برجسته می‌کنند (رپی و هیمبرگ، ۱۹۹۷؛ کلارک و ولز، ۱۹۹۵). دلیل اینکه سبک‌های دلبستگی ناکارآمد، افراد را مستعد علائم اضطراب اجتماعی می‌کنند، احتمالاً به این دلیل است که بزرگسالانی که

دلبستگی اضطرابی بالایی دارند، ارزیابی تهدیدهای اغراق‌آمیز را در پاسخ به وقایع تنیدگی‌زای زندگی (میکالینسر و فلوریان، ۱۹۹۸)، تعاملات اجتماعی روزانه (پیتروموناکو و بارت، ۲۰۰۰) و اعتماد کمتری (کاشدان و ربرتز، ۲۰۱۱) را گزارش نمودند. علاوه‌براین، افراد مبتلا به دلبستگی اضطرابی، یک نگرش منفی درونی از شایستگی دریافت حمایت از طرف دیگران دارند، در توانایی برای مواجهه با پریشانی تردید دارند و در مورد پیامدهای منفی در ارتباطات میان فردی ترس دارند (شاوور و میکالینسر، ۲۰۰۲).

در این زمینه، ورتوی (۲۰۰۳) نظریه‌ای یکپارچه را بنا نهاد که نظریه‌های تکاملی، ارائه خود و یادگیری اضطراب اجتماعی را از نظر دلبستگی برای توضیح ریشه‌ها، گسترش و حفظ اضطراب اجتماعی پیوند می‌دهد. فرضیه‌های ورتوی (۲۰۰۳) مبنی بر اینکه تجربیات اولیه زندگی می‌تواند منجر به تصور از خود به عنوان حقیر، نامطلوب، دارای سطح اجتماعی پایین شود (براماریو، اوبساس و لیونز-راس، ۲۰۱۳). این‌ها رفتارهای تکاملی تسلیم و اجتناب از دیگران را که موجب ایجاد و تقویت اضطراب در زمینه‌های اجتماعی می‌شوند، فعال می‌کنند (ویسمن، آدرکا، کاروم، هرمش و گیلبوآ-اسچتمن، ۲۰۱۱). این به نوبه خود می‌تواند بر دلبستگی ایمن بزرگسالان تأثیر بگذارد و اجتناب و ارزیابی بیش از حد از خطرات اجتماعی را تقویت کند (فارلی، رویمن، بوث-لافورس، آون و هلند، ۲۰۱۳). این نظریه مدل‌های شناختی اضطراب اجتماعی را تعریف می‌کند (کلارک و ولز، ۱۹۹۵)، که در آن طرحواره‌های اساسی خود و دیگران منجر به ارزیابی موقعیت‌های اجتماعی به صورت تهدیدآمیز، نظارت بیشتر بر خود و رفتارهای ایمنی اجتنابی می‌شود (منینگ، دیکسون، پالمیر-کلاوس، کونلیف و تایلور، ۲۰۱۷).

در مقابل، نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که افراد با سبک دلبستگی اجتنابی انتقاد از خود بالایی دارند (میکالینسر، ۱۹۹۷)، دیگران را غیرقابل اعتماد (دید منفی به دیگران) می‌دانند و نزدیک شدن به دیگران برایشان مشکل است (سریواستاوار و بیر، ۲۰۰۵). با توجه به هر یک از این دیدگاه‌های دلبستگی محور در مورد به خود و دیگران، این فرضیه ایجاد می‌شود که افراد با دلبستگی اجتنابی بالا، تجربه تعاملات اجتماعی را تهدیدآمیز می‌دانند (ریعاد، کلارک، روک و

کونتري، ۲۰۱۸) که همگی این نتایج تبیین کننده نقش دلبستگی بر اضطراب اجتماعی را نشان می‌دهد. با این حال، برخی پژوهش‌ها نشان دادند که دلبستگی، به خودی خود، برای اختلال بین فردی در اضطراب اجتماعی کافی نیست (ادرکا، ویسمن، شاهار و گیلبوآ-اسچمن، ۲۰۰۹) و احتمالاً متغیرهای میانجی‌گر و تعدیل‌گر در رابطه سبک‌دلبستگی و اضطراب اجتماعی وجود دارد.

بحث

مقاله حاضر مرور ادبیاتی بود که به بررسی رابطه بین دلبستگی و اضطراب اجتماعی پرداخت. بررسی مروری این شواهد اولیه را ارائه می‌دهد که دلبستگی ناایمن، ارتباط مثبت و سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی با اضطراب اجتماعی دارد. همانطور که ذکر شد فرضیه‌های ورتوی (۲۰۰۳) بر تجربیات اولیه زندگی تاکید دارد که می‌تواند باعث تصور از خود به عنوان حقیر، نامطلوب، دارای سطح اجتماعی پایین شود (براماریو و کرنوس، ۲۰۱۳) که رفتارهای تکاملی تسلیم و اجتناب از دیگران را فعال می‌کند و این تسلیم و اجتناب موجب ایجاد و تقویت اضطراب در موقعیت‌های اجتماعی می‌شوند (ویسمن، آدرکا، کاروم، هرمنش و گیلبوآ-اسچمن، ۲۰۱۱). لذا می‌توان از متغیر سبک دلبستگی در بحث پیشگیری از رفتارهای آسیب‌زا از ناشی از اضطراب اجتماعی توسط مشاوران و روانشناسان استفاده نمود.

با این حال، نیاز به تحقیقات قوی‌تر و همگن‌تر برای ارزیابی روابط طولی بین دلبستگی و اضطراب اجتماعی وجود دارد. علاوه بر این، به دلیل اینکه نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داد که دلبستگی، به خودی خود، برای اختلال بین فردی در اضطراب اجتماعی کافی نیست (ادرکا، ویسمن، شاهار و گیلبوآ-اسچمن، ۲۰۰۹)، احتمالاً متغیرهای میانجی‌گر و تعدیلگر در رابطه سبک‌دلبستگی و اضطراب اجتماعی وجود دارد. برخی پژوهش‌ها در این زمینه به نقش میانجی برخی متغیرها (رورینگ، ۲۰۰۸؛ یو، لو، سنگ، فن و ژنگ، ۲۰۱۹؛ کیم، ۲۰۱۹؛ هاشمی، احمدیگی، پرواز و کریمی شهابی، ۱۳۹۴) اشاره کردند. لذا نیاز به بررسی بیشتر میانجی‌ها و تعدیل‌کننده‌های بالقوه این رابطه وجود دارد. این یک حوزه تحقیقاتی امیدوارکننده، اما توسعه نیافته است.

منابع

- ۱) جاوید پشکه، فاطمه (۱۳۹۹). نقش ممیزی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دل‌بستگی در تشخیص اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان. پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۵ (۴۲)، ۲۱-۳۳.
- ۲) حسنی، جعفر؛ شیخان، ریحانه؛ آریاناکیا، المیرا و محمودزاده، اکرم (۱۳۹۲). اضطراب اجتماعی نوجوانان: نقش سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۹ (۳۶)، ۳۶۳-۳۷۵.
- ۳) حسینی بهشتیان، سیدمحمد و روزبهانی، مرتضی (۱۳۹۵). پیش‌بینی اضطراب اجتماعی براساس سبک دل‌بستگی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۶ (۲۴)، ۱۷-۳۳.
- ۴) خراشادی زاده، سمیه؛ شهابی زاده، فاطمه و دستجردی، رضا (۱۳۹۱). نقش ادراک دل‌بستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۸ (۳۲)، ۳۸۵-۳۹۵.
- ۵) دیناروند، نسرین (۱۳۹۹). بررسی و تعیین نقش سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در تبیین اضطراب اجتماعی، دومین کنفرانس روانشناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و مشاوره، تهران.
- ۶) سنگ‌نورپور، مینا و هاشمی، تورج (۱۳۹۹). رابطه سبک‌های دل‌بستگی با اضطراب اجتماعی، ششمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت‌نگر، بندرعباس.
- ۷) صارمی، نرگس و حقیقت، سارا (۱۳۹۷). مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و مشکلات هیجانی در دانشجویان دختر مبتلا به اختلال اضطراب اجتماعی و دانشجویان عادی. فصل‌نامه روان‌شناسی تحلیلی شناختی، ۹ (۳۵)، ۸۹-۹۹.
- ۵۸) صنعتکارفر، مریم (۱۳۹۵). تبیین اضطراب اجتماعی بر اساس سبک‌های مقابله و سبک‌های دل‌بستگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.

- ۹) علی‌دولتی‌بخشان، فاروق (۱۳۹۳). ویژگی روان‌سنجی آزمون اضطراب اجتماعی و رابطه آن با سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، تهران.
- ۱۰) نعمتی، ندا، سلطانی‌زاده، محمد و منتظری، مریم (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک‌های سه‌گانه دلبستگی (ایمن، اجتنابی، اجتنابی/دوسوگرا) با اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان، سومین همایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی، قزوین.
- ۱۱) هاشمی، تورج؛ احمدیگی، نسرین؛ پرواز، سهیلا و کریمی شهابی، رقیه (۱۳۹۴). نقش سبک دلبستگی در اضطراب اجتماعی با توجه به اثرات میانجی عزت نفس. دست‌آورد‌های روانشناختی (علوم تربیتی و روان‌شناسی)، ۲۲(۱)، ۴۷-۶۶.
- 12) Aderka, I. M., Weisman, O., Shahar, G., & Gilboa-Schechtman, E. (2009). The roles of the social rank and attachment systems in social anxiety. *Personality and Individual*
- 13) Aderka, I.M., Hofmann, S.G., Nickerson, A., Hermesh, H., Gilboa-Schechtman, E., Marom, S.)2012(. Functional impairment in social anxiety disorder. *J. Anxiety Disord.*, 26, 393-400.
- 14) Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*, Erlbaum, Hillsdale, NJ.
- 15) Bifulco A, Kwon J, Jacobs C, Moran PM, Bunn A, Beer N.)2006(. Adult attachment style as mediator between childhood neglect/abuse and adult depression and anxiety. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol* 41:796-805.
- 16) Bowlby, J.,)1988(. *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. Routledge, London.
- 17) Brennan, K.A., Clark, C.L. Shaver, P.R.,)1998(. Self-report measurement of adult attachment: An integrative overview, in: Simpson, J.A., Rholes, W.S. (Eds.) *Attachment theory and close relationships*. Guildford Press, New York, pp. 46-76.
- 18) Brook, C. A., & Willoughby, T. (2015). The social ties that bind: Social anxiety and academic achievement across the university years. *Journal of Youth and Adolescence*, 44(5), 1-14.
- 19) Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2008). Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29(5), 393-402.

- 20) Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2013). Pathways to anxiety: Contributions of attachment history, temperament, peer competence, and ability to manage intense emotions. *Child Psychiatry and Human Development*, 44(4), 504–515.
- 21) Brumariu, L.E., Obsuth, I., Lyons-Ruth, K. (2013). Quality of attachment relationships and peer relationship dysfunction among late adolescents with and without anxiety disorders. *J. Anxiety Disord.* 27, 116-124.
- 22) Chisholm, J. S. (1996). The evolutionary ecology of attachment organization. *Human Nature*, 7(1), 1–37.
- 23) Clark, D.M., Wells, A. (1995). A cognitive model of social phobia, in: Heimberg, R.G., Liebowitz, M.R., Hope, D.A., Schneier, F.R. (Eds.), *Social phobia: Diagnosis, assessment, and treatment*. The Guildford Press, New York, pp.69-93.
- 24) Conrad, R., Forstner, A.J., Chung, M., Mücke, M., Geiser, F., Schumacher, J., and Carnehl, F. (2021). Significance of anger suppression and preoccupied attachment in social anxiety disorder: a cross-sectional study. *Conrad et al. BMC Psychiatry* (2021) 21:116, 2-9.
- 25) Eng, W., Heimberg, R. G., Hart, T. A., Schneier, F. R., & Liebowitz, M. R. (2001). Attachment in individuals with social anxiety disorder: The relationship among adult attachment styles, social anxiety, and depression. *Emotion*, 1(4), 365–380.
- 26) Fehm, L., Pélioso, A., Furmark, T. Wittchen, H.-U. (2005). Size and burden of social phobia in Europe. *Eur. Neuropsychopharmacol.*, 15, 453-462.
- 27) Fraley, C. R., Niedenthal, P. M., Marks, M., Brumbaugh, C., & Vicary, A. (2006). Adult attachment and the perception of emotional expressions: Probing the hyperactivating strategies underlying anxious attachment. *Journal of Personality*, 74(4), 1163–1190.
- 28) Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (1997). Adult attachment and the suppression of unwanted thoughts. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73(5), 1080–1091.
- 29) Fraley, R.C., Roisman, G.I., Booth-LaForce, C., Owen, M.T., Holland, A.S. (2013). Interpersonal and Genetic Origins of Adult Attachment Styles: A Longitudinal Study from Infancy to Early Adulthood. *J. Pers. Soc. Psychol.* 104, 817-838.
- 30) Hazan, C., Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *J. Pers. Soc. Psychol.* 52, 511-524.
- 31) Henderson, L., Gilbert, P., Zimbardo, P. (2014). Shyness, social anxiety, and social phobia, in: Hofmann, S.G., DiBartolo, P.M. (Eds.), *Social*

- Anxiety: Clinical, Developmental, and Social Perspectives. Elsevier, London, pp. 95 - 115.
- 32) Kashdan, T.B., Roberts, J.E. (2011). Comorbid social anxiety disorder in clients with depressive disorders: Predicting changes in depressive symptoms, therapeutic relationships, and focus of attention in group treatment. *Behav. Res. Ther.* 49, 875-884.
- 33) Kessler RC, Berglund P, Demler O, Jin R, Merikangas KR, Walters EE. (2005). Lifetime prevalence and age-of-onset distributions of DSM-IV disorders in the national comorbidity survey replication. *Arch Gen Psychiatry* 62:593–602.
- 34) Kessler, R.C., Petukhova, M., Sampson, N.A., Zaslavsky, A.M., Wittchen, H.-U. (2012). Twelvemonth and lifetime prevalence and lifetime morbid risk of anxiety and mood disorders in the United States. *Int. J. Methods Psychiatr. Res.*, 21, 169–184.
- 35) Kim, Y.H. (2019). The Effects of Anxious Attachment on Social Anxiety in College Students: Mediation Effects of Self-Esteem, Shame and Narcissistic Vulnerability. *Stress*, 27(2), 174-182.
- 36) Laczkovics C, Fonzo G, Bendixsen B, Shpigel E, Lee I, Skala K, u. a. Defense mechanism is predicted by attachment and mediates the maladaptive influence of insecure attachment on adolescent mental health. *Curr Psychol.* 2020;39(4):1388–1396
- 37) Lewis-Morrarty, E., Degnan, K. A., Chronis-Tuscano, A., Pine, D. S., Henderson, H. A., & Fox, N. A. (2014). Infant Attachment Security and Early Childhood Behavioral Inhibition Interact to Predict Adolescent Social Anxiety Symptoms. *Child Development*, 86(2), 598–613.
- 38) Liu, G., Pan, Y., Li, W., Meng, Y., & Zhang, D. (2017). Effect of self-esteem on social anxiety in adolescents: The mediating role of self-concept clarity. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 25(1), 151–154
- 39) Manes, S., Nodop, S., Altmann, U., Gawlytta, R., Dinger, U., Dymel, W., . . . Ritter, V. (2016). Social anxiety as a potential mediator of the association between attachment and depression. *Journal of Affective Disorders*, 205, 264–268.
- 40) Manning, R. P. C., Dickson, J. M., Palmier-Claus, J., Cunliffe, A., & Taylor, P. J. (2017). A systematic review of adult attachment and social anxiety. *Journal of Affective Disorders*, 211, 44–59.
- 41) McCarty, K. (2005). The relationship between attachment and social anxiety, focusing on self-esteem and locus of control as possible mediators. University of Hertfordshire Research Archive, PhD Theses.
- 42) Mikulincer M, & Florian V. (1998). The relationship between adult attachment styles and emotional and cognitive reactions to stressful

- events. In: Simpson JA, Rholes WS, editors. Attachment theory and close relationships. New York: Guilford Press, 143–165.
- 43) Mikulincer M. (1997). Adult attachment style and information processing: Individual differences in curiosity and cognitive closure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5):1217–1230.
- 44) Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2012). An attachment perspective on psychopathology. *World Psychiatry*, 11(1), 11-15.
- 45) Morrison, A. S., & Heimberg, R. G. (2013). Social anxiety and social anxiety disorder. *Annual Review of Clinical Psychology*, 9(1), 249–274.
- 46) Mothander, P. R., & Wang, M. (2014). Parental rearing, attachment, and social anxiety in Chinese adolescents. *Youth and Society*, 46(2), 155–175.
- 47) Notzon, S., Domschke, K., Holitschke, K., Ziegler, C., Arolt, V., Pauli, P., Reif, A., Deckert, J., & Zwanzger, P. (2015): Attachment style and oxytocin receptor gene variation interact in influencing social anxiety, *The World Journal of Biological Psychiatry*.
- 48) Ollendick, T. H., & Benoit, K. E. (2012). A parent–child interactional model of social anxiety disorder in youth. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 15(1), 81–91.
- 49) Parade SH, Leerkes EM, Blankson AN.)2010(. Attachment to parents, social anxiety, and close relationships of female students over the transition to college. *J Youth Adolesc* 39:127–37.
- 50) Pietromonaco P, & Barrett L. (2000). The internal working models concept: What do we really know about the self in relation to others. *Review of General Psychology*, 4(2):155–175.
- 51) Pini, S., Abelli, M., Troisi, A., Siracusano, A., Cassano, G. B., Shear, K. M., & Baldwin, D. (2014). The relationships among separation anxiety disorder, adult attachment style and agoraphobia in patients with panic disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 28(8), 741–746.
- 52) Rapee R, & Heimberg R. A cognitive-behavioural model of anxiety in social phobia. *Behaviour Research and Therapy*. 1997; 35(8):741–756.
- 53) Read, D.L., Clark, G.I., Rock, A.J., Coventry, W.L. (2018). Adult attachment and social anxiety: The mediating role of emotion regulation strategies. *PLoS ONE* 13(12): e0207514.
- 54) Shaver P, & Mikulincer M. (2002). Attachment-related psychodynamics. *Attachment & Human Development*, 4(2):133–161.
- 55) Srivastava S, & Beer J. (2005). How self-evaluations relate to being liked by others: Integrating sociometer and attachment perspectives. *Journal of Personality and Social Psychology*. 89(6):966–977.

- 56) Stein MB, & Stein DJ. 2008. Social anxiety disorder. *Lancet* 371:1115–1125.
- 57) Su, A. P., & Song, K. J. (2005). The effect of social anxiety on psychological adaptation. *Korean Journal of Culture & Social Issues*, 11(2), 1–29
- 58) Torpey DC, Olinio TM, Klein DN. 2007. Retrospective reports of parenting in depressed adults with and without comorbid panic disorder and social anxiety disorder. *J Nerv Ment Dis* 195:738–44.
- 59) Vertue, F.M. (2003). From adaptive emotion to dysfunction: An attachment perspective on social anxiety disorder. *Pers. Soc. Psychol. Rev.* 7, 170-191.
- 60) Weisman, O., Aderka, I.M., Marom, S., Hermesh, H., Gilboa-Schechtman, E. (2011). Social rank and affiliation in social anxiety disorder. *Behav. Res. Ther.* 49, 399-405.
- 61) Wu, X., Huang, L., He, X., Tang, H., & Pu, W. (2015). Social anxiety, aggression and depression: The mediating of regulatory emotional self-efficacy. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 23(5), 804–807.
- 62) Youngblade, L. M., & Belsky, J. (1989). Child maltreatment, infant-parent attachment security, and dysfunctional peer relationships in toddlerhood. *Topics in Early Childhood Special Education*, 9(2), 1–15.
- 63) Yu, Y., Liu, S., Song, M., Fan, H., & Zhang, L. (2019). Effect of Parent-Child Attachment on College Students' Social Anxiety: A Moderated Mediation Model. *Psychological Reports*, 003329411986298.
- 64) Zuccala, M., Modini, M., & Abbott, M. J. (2021). The role of death fears and attachment processes in social anxiety: a novel hypothesis explored. *Australian Journal of Psychology*, 73(3), 381–391.